



سی شود

داشته باشد. متأسفانه تاکنون این رویکرد وجود نداشته و نقد آن هم بیشتر متوجه آژانس‌های مسافرتی و لیدرهاست. منشور دیگر این است که دستگاه‌های متولی مانند میراث فرهنگی، گردشگری و امور عشایر نوع، جنس و فرصت گردشگری جامعه عشایر را درک کنند و به آن نگاه تازه‌ای داشته باشند. البته محور گردشگری عشایر طبعاً گردشگری طبیعت است. اگر این عوامل دست به دست هم بدهد و به الگوی بومی شده در راه‌اندازی توره‌های گردشگری برسیم، شکی نیست که گردشگری عشایر نظام‌مند می‌شود و گردشگر می‌تواند از مناطق خاص و بکری که عشایر کوچ می‌کنند، بازدید کرده و ماهیت زندگی عشایر را لمس کند و این تجربه‌ای است که گردشگری نوین می‌خواهد داشته باشد. گردشگری جهان، دیگر گردشگری سنتی و جزیره‌ای نیست و امروزه دیگر گردشگر عشایری تنها مستندساز یا جامعه‌شناس نیست بلکه کسی است که می‌خواهد زندگی عشایر را تجربه کند و ما این واقعیت را در طیف گردشگران خارجی که به مناطق عشایری می‌آیند، می‌بینیم. ضمن اینکه یادمان نرود گردشگری عشایری، بومگردی نیست که فرضاً در پارک چیتگر تهران ۵ چادر با تزئینات قشنگ بگذاریم و گردشگر را بیاوریم که عکسی بگیرد و برود بلکه باید گردشگر در بطن زندگی عشایر وارد شود. وی همچنین از ابلاغ طرح توسعه گردشگری

جامعه بنیاد عشایری به استان‌ها خبر می‌دهد و می‌افزاید: در حال حاضر ۱۲ مسیر گردشگری مطالعه و معرفی شده که فقط شامل بیلاق یا قشلاق نمی‌شود و مسیر کوچ را هم شامل می‌شود. معاون سازمان امور عشایری در همین حال تأکید می‌کند که با توجه به تغییرات اقلیمی به‌وجود آمده و وضعیت مراتع، دامپروری عشایر در سال‌های آتی پایدار نخواهد بود و ما اگر می‌خواهیم در آینده هم جامعه عشایری فعالی را داشته باشیم باید درآمد جایگزینی را برای آنها تعریف کنیم و به نظر می‌رسد گردشگری عشایر می‌تواند تضمین‌کننده معیشت جامعه عشایری در سال‌های آتی باشد. عشایر از ۳۵ میلیون هکتار مرتع بهره‌برداری می‌کنند و چه بهتر است در این فضای بکر و طبیعی، هم زنبورعسل پرورش دهند و هم به آبی‌ری پروری بپردازند و از سوی دیگر از این محیط برای گردشگری نیز سود ببرند. میزبان در پایان خاطر نشان می‌کند: افراد تشکیل‌دهنده جامعه عشایری، زندگی در طبیعت را به شرط داشتن معیشت با هیچ زندگی دیگری عوض نمی‌کنند و در این صورت است که جوانان عشایر به فکر حاشیه‌نشینی و مهاجرت و شغل‌های کاذب نخواهند افتاد.



دختر عشایر قشقای میزبان گردشگران خارجی رؤیایی که رنگ واقعیت گرفت

زهره افشار / سختکوشی در اینجا رنگ دیگری دارد. او هر روز صبح قبل از طلوع خورشید بیدار می‌شود تا بساط پذیرایی گرمی را در دل چادرهای عشایری برای گردشگران آماده کند؛ گردشگرانی که حتی از دورترین نقاط جهان هم میهمان او می‌شوند. روال میهمان‌نوازی در سیاه‌چادرهای عشایری با هتل‌های چندستاره و لوکس تفاوت دارد. اینجا خبری از منوهای لاکچری صبحانه و آخرین امکانات توریستی نیست اما صفا، سادگی و البته غذاهای خوش‌طعم و تازه، حرف اول را می‌زند. شاید خیلی‌ها تصور کنند اینجا سفر سختی را تجربه می‌کنند اما فریبا نوری‌زاده، یکی از جوانان غیور عشایر قشقای، این تصور را تغییر داده است. حالا خیلی از گردشگران خارجی که به ایران سفر می‌کنند و طبیعت‌گرد هستند، سراغ «سپیدان» استان فارس را می‌گیرند تا میهمان این دختر عشایری و خانواده‌اش شوند. او بدون هیچ بهانه‌ای و با وجود نداشتن امکانات، برای خودش کارآفرینی کرده است. این‌قدر در کارش مصمم بوده است که حالا برای بقیه ایل هم شغل و درآمد ایجاد می‌کند تا چرخ زندگی آنها هم بچرخد. از یکی عسل‌های تولیدی و از دیگری صنایع دستی‌اش را می‌خرد. از این قبیل محصولات برای پذیرایی از گردشگران استفاده می‌کند و البته برخی را هم به آنان می‌فروشد. او مسیر سختی را برای رسیدن به این موفقیت طی کرده؛ تلاش این دختر ایل برای رسیدن به رؤیاهایش مثال‌زدنی است.



که فکر کردم غذا و اقامت شب را هم در برنامه پذیرایی‌ام بیاورم. شاید خوش‌شانسی من پایلوت شدن فارس به‌عنوان میز گردشگری عشایر بود که توانستم اتفاقی با مسئولان وزارتخانه دیداری داشته باشم و مورد حمایت قرار بگیرم. آنها وقتی داستان مرا شنیدند و از نزدیک چادر عشایری را که برای گردشگران در کنار چادر خانواده‌ام درست کرده بودم دیدند، قول دادند گردشگران خارجی متقاضی گردشگری عشایری را به من معرفی کنند. آن زمان هرگز فکر نمی‌کردم گردشگری عشایری این‌قدر بازدهی خوبی داشته باشد و طرفدار خارجی و داخلی پیدا کند.

از قبل اطلاعات لازم را درباره فرهنگ عشایری به گردشگران ارائه می‌دهم

گردشگران خارجی بیشتر از کشورهای چین، لهستان، روسیه و ترکیه هستند. چون ما از ایل قشقای هستیم، زبان ترکی را خوب می‌دانم. انگلیسی را هم تا حدی یاد گرفته‌ام و برای ارتباط با گردشگران خارجی احتیاجی به لیدرها ندارم. ما در برخورد با گردشگران همان‌گونه رفتار می‌کنیم که خود واقعی‌مان هستیم و از آنها هم می‌خواهیم که فرهنگشان را به ما تحمیل نکنند. ضمن اینکه قبل از آمدن، یک‌سری آداب سفر به اینجا را به آنان یادآوری می‌کنم؛ موضوع‌هایی مانند اینکه نباید بدون اجازه با کسی عکس بگیرند یا اینکه ما در فرهنگ‌مان روی نوع پوشش حساسیت داریم. این موضوع را هم یادآوری می‌کنم که ما در حد خودمان از امکانات اولیه پذیرایی برخورداریم. در چادرهای عشایری از طریق پنل‌های خورشیدی برق داریم و یخچال کوچکی در چادر گذاشته‌ایم. ما در بیلاق و قشلاق، چادرهایمان را در اراضی منابع طبیعی برپا می‌کنیم و با محدودیت‌هایی برای ساخت دستشویی به دلیل احتمال نشت فاضلاب مواجه هستیم، اما با استفاده از سازه‌های فلزی مخصوص و لوله‌هایی که نشت نمی‌کنند این مشکل را برطرف کرده‌ایم و نگرانی از این بابت برای گردشگران وجود ندارد.

برنامه‌های جذاب

ما از گردشگران در طول روز با صبحانه محلی از جمله نان تازه، شیر، عسل، پنیر و تخم‌مرغ پذیرایی می‌کنیم و برای ناهار و شام هم غذاهای محلی مثل «لایی پلو» شامل گوشت بره با زرشک و کشمش، «دمپختک» و «دوپپاز

دختر ایل بودن و مسیر سخت پیش‌رو

می‌گویند همه چیز از سال ۸۳ شروع شد. همه چیز از زمانی شروع شد که در مدرسه عشایری ایل شروع به درس خواندن کردم. برخی از عشایر حتی فرزندان دختر را در شمار فرزندان‌شان نمی‌گذاشتند و حتی راضی کردن خانواده برای درس خواندن کار سختی بود. دوران ابتدایی و راهنمایی را در همان کلاس عشایری گذراندم و وقتی برای ادامه درس در دبیرستان راهی خانه عمو در گچساران شدم، تازه فهمیدم چه راه سختی پیش‌رو دارم. همه چیز با روند زندگی عشایری، سلاقی و فرهنگ من تفاوت داشت. در آن روزها گاهی خجالت می‌کشیدم به هم‌کلاسی‌هایم بگویم پدر من از عشایر است و ما زیر چادر عشایری زندگی می‌کنیم، ولی حالا با افتخار می‌گویم که من دختر ایل عشایر قشقای هستم.

در فرهنگ عشایری سختکوشی اصل نخست زندگی و سازگاری با طبیعت است و من هم عزم خود را جزم کرده بودم تا هر طور شده درسم را ادامه دهم. این شد که بعد از گرفتن دیپلم، برای ادامه تحصیل رشته گردشگری عشایر را انتخاب کردم و وارد دانشگاهی در شیراز شدم. راستش را بخواهید همیشه دلم می‌خواست کاری داشته باشم که بتوانم در عین حال در کنار خانواده هم بمانم.

پایلوت شدن فارس به‌عنوان میز گردشگری عشایر، از خوش‌شانسی من بود

بعد از فارغ‌التحصیلی راه سخت‌تری پیش‌رو داشتم. از کودکی تا فارغ‌التحصیلی در دانشگاه خیلی سختی کشیدم اما با جرأت می‌گویم سخت‌ترین مرحله زندگی من راضی کردن اطرافیان برای برپا کردن چادر گردشگری عشایری در کنار خانواده‌ام بود. بالاخره ۱۲ سال پیش با راضی کردن پدرم، صفحه‌ای در فضای مجازی درست کردم و تلاش داشتم سیاه‌چادرمان را روزانه به گردشگران اجاره بدهم. تعداد کمی می‌آمدند و با آوردن آب و غذا برای خودشان چند ساعتی می‌ماندند و می‌رفتند. روزی سه خانم ستاره‌شناس که می‌خواستند برای دیدن شهاب‌سنگ‌ها به منطقه ما بیایند، از ما خواستند دو، سه روزی میهمان ما باشند. بعد هم گفتند می‌شود از همان غذایی که خودتان می‌خورید به ما هم بدهید؟ وقتی می‌خواستند به تهران برگردند تقریباً ۱۰۰ برابر پولی که برای اجاره روزانه از گردشگرها می‌گرفتم به من دادند و آنجا بود



گردشگران خارجی عشایری بیشتر از کشورهای چین، لهستان، روسیه و ترکیه هستند. چون ما از ایل قشقای هستیم، زبان ترکی را خوب می‌دانم. انگلیسی را هم تا حدی یاد گرفته‌ام و برای ارتباط با گردشگران خارجی احتیاجی به لیدرها ندارم. ما در برخورد با گردشگران همان‌گونه رفتار می‌کنیم که خود واقعی‌مان هستیم و از آنها هم می‌خواهیم که فرهنگشان را به ما تحمیل نکنند

آلو» درست می‌کنیم. میهمانان زمانی که اینجا هستند، در کنار خانواده، زندگی عشایری را تجربه می‌کنند، طبیعت بکر و زیبای بیلاق یا قشلاق را می‌بینند و کارهایی مثل پخت غذا روی اجاق را انجام می‌دهند. با برپایی چادر سیاه عشایری گردشگری، برای چند نفر دیگر هم اشتغالزایی ایجاد می‌شود. برای مثال ایلی که عسل درست می‌کند قبلاً برای فروش عسل تولیدی‌اش با مشکلاتی مواجه بود اما حالا برای صبحانه گردشگران کل عسل او را می‌خرم. کسانی هم که صنایع دستی یا فرش می‌بافتند و برای بازاریابی مشکل داشتند، حالا صنایع دستی‌شان را به گردشگران می‌فروشند. ۸۰ درصد گردشگران ایرانی از تهران هستند. من گردشگران را در روز اول به طبیعت‌گردی می‌برم و سعی می‌کنم فعالیت‌های روزمره عشایری از جمله شیر دوشیدن و پوشیدن لباس‌های محلی را تجربه کنند که اتفاقاً برایشان خیلی جذاب است. شب‌ها هم گردشگران از شنیدن خاطرات پدرم آن‌هم با لهجه شیرین عشایر قشقای لذت می‌برند.

برای رسیدن به آرزوهایتان تلاش کنید

از همه دختران عشایر می‌خواهم با افتخار به جامعه عشایری، برای رسیدن به آرزوهایشان تلاش کنند و بدانند آنها دختر جامعه سختکوش عشایر هستند.

در دره تلاتر ۳۲ آبشار کوچک و بزرگ وجود دارد

پیمایش دره تلاتر حدود ۸ کیلومتر است که حدوداً ۶ ساعت طول می‌کشد

هرچه در مسیر دره جلو می‌روید، یک منظره جذاب پیش‌رویتان قرار می‌گیرد

آب دره بسیار خنک است؛ بنابراین بهترین زمان برای سفر به این دره همین روزهای تابستان است

